

مردم؛ بازنده قیمت نامعلوم خودروهای مونتاژی

صفحه ۸



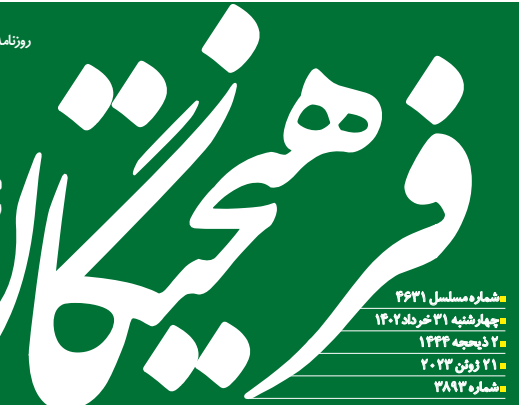
نگهبان سینمای اجتماعی

اکران «نگهبان شب» در میانه حاکمیت فیلم‌های طنز
سبد مخاطب سینما را متنوع کرد

روزنامه خبری تحلیلی، دانشگاهی صبح ایران
صدای نخبگان، نگاه جوانان

۱۶ صفحه
۵۰۰۰ تومان

فصل جدید ادبی و مضمون:
روایت‌های جنگ



شماره مسلسل ۳۶۳۱
چهارشنبه ۳۱ خرداد ۱۴۰۲
۲۰ دیماه ۱۴۴۴
۲۱ ژوئن ۲۰۲۳
شماره ۳۸۱۳



عاقبت بی‌وطن‌ها

۴۲ سال بعد از غائله ۳۰ خرداد ۶۰، مقرر مناقبین در اروپا زیر آتشی رفت که خودشان به پا کرده بودند

صفحه ۷

درباره کشمکش مجلس و وزارت کشور بر سر یک بخشنامه

مشاوره رایگان به مجلس: به مسائلی که ذینفع نیستید هم واکنش بدهید

۲۰

چرا با وجود پرداخت تسهیلات مساله بافت فرسوده شهری حل نمی‌شود؟

گره کور آبادی نفرآباد

۱۶

ارائه واحدهای اختیاری هوش مصنوعی از مهرماه به دانشجویان دانشگاه آزاد

پای هوش مصنوعی به تدریس ریاضی و فیزیک رسید

۱۶

بیانیه

مجمع جهانی بیداری اسلامی حمله نظامیان صهیونیست به جنین را محکوم کرد

مجمع جهانی بیداری اسلامی در بیانیه‌ای حمله وحشیانه نظامیان صهیونیست به شهر جنین در کرانه باختری را که به شهادت ۴ تن و زخمی شدن تعدادی از مردم مظلوم فلسطین منجر شد محکوم کرد.

در این بیانیه آمده است: «این حملات وحشیانه بخشی از همان تروریسم سازمان یافته است که با حمایت غرب و آمریکا توسط این رژیم سفاک انجام می‌شود و بدون شک تمام نهادها و سازمان‌های حقوق بشری و بین‌المللی که فقط نظاره‌گر این گونه جنایات هستند باید پاسخگو باشند.»

مجمع جهانی بیداری اسلامی تأکید کرد: «رژیم صهیونیستی امروز در ضعیف‌ترین موقعیت خود در منطقه و جهان قرار دارد و این حملات و جنایات علاوه بر اینکه نفرت بیشتر جهان را به دنبال دارد تیر خلاص بر پیکره نظام نامشروع خود خواهد زد.» در این بیانیه آمده است: «رژیم صهیونیستی می‌داند که این حملات بی‌پاسخ نخواهد ماند و نیروهای مقاومت و مردم ملت شجاع فلسطین بار دیگر پاسخی دندان شکن به آنها خواهند داد.»

در پایان بیانیه، مجمع جهانی بیداری اسلامی این جنایات وحشیانه و تروریسم دولتی را به شدت محکوم کرده و از تمام کشورهای جبهه مقاومت و جهان اسلام خواسته است اتحاد خود را در برابر دسیسه‌ها و اقدامات این رژیم شیطانی حفظ کنند و با عزمی راسخ به مبارزه علیه تروریسم و رژیم غاصب صهیونیستی برخیزند.

صدای نخبگان
نگاه جوانان
روزنامه فرهیختگان
FARHIKHTEGAN
farhikhteganonline

چمران؛ شهید امر مقدس در افاق بی‌نهایت

ظرف زمانی و مکانی خود قابل تحلیلند. چه اینکه حتما یزدانی خرم پاسخی نخواهد داشت که چرا چمران، بعد از استعفای دولت موقت نوشت: «تا آخر با امام می‌مانم.» و البته نشان داد که ماند. چون شخصیت‌هایی که در قالبی واحد با ایده‌هایی غیرقابل انعطاف برنامه‌ریزی می‌کنند مثل خود بازگان- طبیعتاً کمتر دوام می‌آورند، اما چمران از ۱۳ آبان ۵۸ تا پایان خرداد ۶۰، نزدیک به ۲۰ ماه، با خمینی ماندن را به با بازگان رفتن ترجیح می‌دهد. یا مثلاً نوشته چمران معتقد بود می‌توان با ارتش جنگ را به پایان رساند. به حسب واقع، این حرف به رئیس ستاد جنگ‌های نامنظم که خودش گروهی خارج از تشکیلات مرسوم نظامی بود، می‌چسبد؛ اگرچه چمران هم مانند امام و مانند بسیاری از چهره‌های انقلابی، برخلاف نگاه مسعود رجوی و چپ‌های انقلابی به درستی مخالف انحلال ارتش بود، اما این چه ربطی به این دارد که در شرایط سخت و کم‌بینه سال‌های آغازین جنگ، می‌شد با ارتش جنگ را به پایان رساند؟ یا طرح این گزاره که چمران تا اکتب می‌کرد «راننده‌های تانک‌های عراق روسی حرف می‌زدند.» و «روسیه» را هم در گیومه بگذاری!

این همه دست‌وپا زدن برای استفاده امروزی از شخصیت چمران، عجیب است. اولاً که نگارنده غیب نگفته است. نقش شوروی (نه روسیه) در جنگ بارها در قرائت‌های رسمی و حتی در سخنرانی‌های پرتکرار عالی‌ترین مقامات جمهوری اسلامی هم تکرار شده و می‌شود. کافی است یک جست‌وجوی ساده، مثلاً در صحبت‌های همین چندماه اخیر رهبری صورت بگیرد تا معلوم شود که قرائت رسمی هیچ ابایی از اشاره به نقش شوروی در جنگ ندارد. و موارد دیگری که از حوصله خارج است؛ چرا که صرفاً خواستم بگویم برای سطحی‌ترین مصارف روزمره‌مان، شهدا را به رگبار کلمات نبندیم. جالب آنکه مطلب یزدانی خرم، با آن سطح از سوءاستفاده از چمران برای لایک گرفتن، در آخر می‌نالد که بسیاری می‌خواهند او در حد چند جمله روی بیلبرودهای شهرداری باشد و خلاص، «باید گفت حداقل اینان استاد به گفته‌های خود چمران دارند، نه بافتنی‌هایی که پایه استدلالی محکمی ندارند. درباره چمران ونسبتش با انقلاب اسلامی ایران هم حرف زیاد دارم. خلاصه‌اش اینکه چمران در نامه‌ای که چندماه پیش از انقلاب به امام نوشت، انقلاب اسلامی که چندماه با تحقق فاصله داشت را این‌طور توصیف کرد: «بزرگ‌ترین نقطه عطف تاریخ ایران.»

رضا کردلو خبرنگار

خواندن تاریخ از آخر، آفت روایت‌های روشنفکری از انقلاب است. طبعاً این نوع خوانش به تحریف هم می‌انجامد؛ چرا که با حذف بخشی از تاریخ و روایت نکردن پس‌زمینه‌ها به دنبال نوراندختن روی بخشی از گذشته است که صرفاً کارکرد امروزی داشته باشد. مثلاً وقتی درباره شخصیتی مانند شهید چمران، روایت‌هایی کم‌اعتبار را صرفاً برای تحسین و تایید مخاطب امروز برجسته می‌کنیم، از حقایق بی‌شمار درباره او اعتبارزدایی کرده‌ایم و چون خواسته‌های مخاطب امروزی برای لایک کردن، بی‌حد و حصر است، تنها تا کوتاه آمدن از حقیقت او را راضی نکرده‌ایم، بلکه مجال بیشتری برای طرح مسائل دور از واقعیت و صدمن یک‌غازه به او داده‌ایم. حالا اگر عنوان «شهید» پیش از نام یک شخصیت آمده باشد، با اعتبارزدایی از حقیقت، امر مقدس را هم عرفی و پیش‌پاافتاده کرده‌ایم. البته برای سال‌ها این تقدس‌زدایی به‌عنوان یک ژست روشنفکری برای داعیه‌دارانش مایه اعتبار بوده. هرکس بیشتر به امر مقدس پشت می‌کرده، روشنفکتر تلقی می‌شده و این قصه ادامه دارد.

بهبان این چندخط، یادداشت مهدی یزدانی خرم درباره مصطفی چمران است. البته مشکلی اینجا هست، چون نه من آنقدر اهل دل هستم که بتوانم درباره «فلسفه شهادت» برای نگارنده مطلب «چه کسی مصطفا را زد؟»، توضیح بدهم و نه یزدانی خرم، به حسب آنچه نوشته، این وجه از ماجرا را زیاد جدی می‌گیرد. البته امیدوارم اینچنین نباشد و من در اشتباه باشم. همه چیز را جناب یزدانی و قاتل نبودن به واقعیت‌های صحنه‌های نبرد، چیزی را پررنگ می‌کند که سال‌ها شبه‌روشنفکران، عوام را با آن تسخیر می‌کردند و حالا خود گرفتارش شدند؛ «توهم توطئه». و شاید به‌خاطر همین است که یزدانی خرم، بدون کمترین ارجاعی به یک استناد تاریخی، به‌راحتی از دادن گرای چمران به عراقی‌ها برای حذف سخن به میان می‌آورد.

اما به جهت مخالفت طبیعی‌ام با تک‌بعدی دیدن آدم‌ها، آن هم آدم‌هایی مثل چمران، باید صرفاً اشاره‌ای داشته باشم تا یزدانی خرم متوجه این حقیقت باشد که آدم‌های بزرگ، به‌راحتی یک کپشن اینستاگرام تحلیل‌پذیر نیستند. چنانچه حتی در زمانی که نوشته (خون خورده) و در آن نامی و قصه‌ای از مصطفی چمران آورده‌ام نتوانسته تصویری از چمران بسازد. علی‌اچال چند نکته: تاریخ را از آخر و برای امروز نخوانیم. واقعیت‌ها در

ضرورت توجه بیشتر به بخش فرهنگ در برنامه هفتم توسعه

کارکردی است؛ مساله‌ای که امروزه به‌وضوح در نظام حکمرانی فرهنگی- رسانه‌ای کشور دیده می‌شود. در میان موضوعات مطروحه در این ماده، در یک بند بر ایجاد الزام بر «کلید دستگانه‌های اجرایی» برای ترویج و تبیین دیدگاه‌های مقام‌معهظم رهبری تأکید شده است. نکته‌ای که با رویکرد صدر ماده مبنی بر پرهیز از موازی کاری و اصلاح رویه‌های موجود فعالیت‌های فرهنگی دستگاه‌ها تأکید دارد، در تضاد است. علاوه بر این تناقض رویکردی در این ماده، آیا این الزام، منجر به همان پدیده تبلیغات کور دستگاه‌ها در سطح شهر یا کلیدواژه‌های رهبری که ایشان بارها از آن انتقاد کرده‌اند نمی‌شود؟ به نظر می‌رسد شایسته بود که یک یا دو دستگاه متولی در حوزه فرهنگ برای مثال سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی و وزارت ارشاد مسئول چنین اقدامی می‌شدند و برنامه هفتم توسعه به‌عنوان یک سند راهبردی، خود محرک سلخستگی فعالیت دستگاه‌های اجرایی در حوزه فرهنگ نباشد.

ماده ۷۶ لایحه برنامه هفتم به موضوع صوت و تصویر فراگیر در فضای مجازی اختصاص یافته است. در این ماده به‌طور صریح مسئولیت صدور مجوز، تنظیم مقررات و نظارت بر خبرگزاری‌ها، کتاب، تبلیغات و... که در فضای مجازی منتشر می‌شوند را برعهده وزارت ارشاد قرار داده است. از سوی دیگر در ادامه ماده بیان شده «در صورتی که بخشی از رسانه‌های فوق از صوت و تصویر فراگیر استفاده کنند» مشمول دستورالعمل توافقی میان وزارت ارشاد و صداوسیما خواهند بود. همین تفکیک در ساخت اجرا اولین محل اختلاف است زیرا مشخص نشده که مراد از استفاده از صوت و تصویر فراگیر به چه معناست و کس و قوس‌های سال‌های گذشته نشان می‌دهد معنای مورد توافقی میان وزارت ارشاد و صداوسیما از تعریف صوت و تصویر فراگیر وجود دارد. به عبارت دیگر سرویس صوت و تصویر خبرگزاری‌ها که هم‌اکنون در حال فعالیت هستند آیا مشمول بخش دوم این ماده می‌شوند یا طبق روال گذشته در حوزه مأموریتی وزارت ارشاد تنظیم‌گری خواهند شد؟

در بند «ب» این ماده حوزه مأموریتی صداوسیما (ساترا) در نظارت و صدور مجوز رسانه‌های ناشرمحور (VOD) و کاربرمحور (UGC) در تبیین کرده ولی به‌صورت عملی به محل اختلاف اصلی پاسخی نداده است که چگونه می‌تواند در یک خبرگزاری یا یک وبسایت منتشر شود و همان محتوا در یک رسانه کاربرمحور بنا بر نظر تنظیم‌گر آن حوزه امکان انتشار نداشته باشد. این تفکیک وظایف با مرزهای غیرمشخص و غیرشفاف درحالی که دنیا به سمت تنظیم‌گری یک پارچه برآه برآه است و برآیند می‌رود، یقیناً گره موجود در نظام حکمرانی رسانه‌ای کشور را پیچیده‌تر خواهد کرد.

از سوی دیگر در ماده بعدی، این لایحه به ضرورت تصویب آیین‌نامه تخلفات رسانه‌های صوت و تصویر فراگیر به‌صورت مشترک میان صداوسیما و وزارت ارشاد اشاره کرده است که عملاً تنظیم مقررات به‌عنوان یکی از ابزارهای مهم تنظیم‌گری را از انحصار صداوسیما خارج می‌کند. با توجه به نکات مطرح شده، امید است مجلس محترم شورای اسلامی با بررسی دقیق احکام فرهنگی این برنامه، غنای آن را تقویت کند و عباراتی را که ممکن است منشأ اختلافات و افزون‌گره‌ای به وضعیت موجود تقسیم وظایف میان دستگاه‌ها شود را شفاف و تعیین تکلیف کنند.

علی سعد مدیر اندیشکده حکمرانی شریف

لایحه برنامه هفتم توسعه پس از کس و قوس فراوانی که از سال گذشته داشت، ۲۸ خردادماه برای بررسی به مجلس شورای اسلامی تحویل شد. این لایحه اولین اقدام میان مدت برنامه‌ای از سوی نظام حکمرانی کشور در دهه پنجم حیات نظام جمهوری اسلامی به‌منظور ریل‌گذاری فعالیت‌ها و اقدامات اجرایی و تقنینی است که امید می‌رود با دقت نظر در مجلس بررسی و اصلاحات لازم بر آن انجام شود تا بتواند مبنای حرکت صحیح در راستای پیشرفت کشور باشد.

بررسی کلی لایحه نیاز به بررسی مفصل و کل‌نگرانه دارد ولی با نگاه از دریچه فرهنگی به‌روشنی می‌توان مشاهده کرد که سهم فرهنگ از میان احکام این برنامه سهم پایینی نسبت به سایر حوزه‌های آن دارد. در این نوشتار تلاش می‌شود با نگاهی به بخش فرهنگی این لایحه نکاتی درخصوص آن مطرح و اجزای آن را بررسی کرد. احکام فرهنگی برنامه هفتم توسعه در فصل پانزدهم آن با عنوان «ارتقای فرهنگ عمومی و رسانه» قرار گرفته‌اند که شامل ۵ ماده است.

با بررسی مواد این بخش مشاهده می‌شود بخش مهمی از عرصه‌های فرهنگی مورد توجه قرار نگرفته و تنها سهمی از مسائل و چالش‌های امروز فرهنگی مورد توجه قرار گرفته‌اند. برای مثال در بخش اهداف کمی برنامه اگرچه عدد ۱۰۰ فیلم سینمایی به‌عنوان هدف گذاری برای تولید در کشور مطرح شده است، اما از فعالیت‌های حوزه تئاتر، موسیقی، هنرهای تجسمی، کتاب و... سخنی به میان نیامده است. درخصوص این هدف‌گذاری کمی نیز به نظر می‌رسد صرف بیان ۱۰۰ فیلم سینمایی بدون دقت نظر موضوعی، عدم به‌کارگیری شاخص‌های کیفی و البته جهت‌گیری‌های آن شاهد نوعی کم‌دقتی در تدوین آن هستیم.

در جدول هدف‌گذاری کمی نکات دیگری نیز وجود دارد. برای مثال اصل ایجاد موسسات قرآنی و بهره‌مندی علاقه‌مندان از آن اقدامی شایسته و از وظایف نظام اسلامی ترویج فرهنگی قرآنی در کشور است. اما در این بین دقت در اعداد و ارقام هدف‌گذاری شده در برنامه هفتم، نشان از نگاه غیرواقعی و کاریکاتوری به این مقوله دارد. با وجود اینکه به گفته مسئولان وزارت ارشاد آمار دقیقی از موسسات قرآنی موجود در سطح کشور وجود ندارد و اعداد و ارقامی از حدود ۳ هزار تا ۷ هزار موسسه تخمین زده می‌شود، اصرار بر شاخص کمی برای راه‌اندازی ۱۶۰۰ موسسه قرآنی جدید تا پایان برنامه هفتم غیرواقعی به نظر می‌رسد. شاید اگر تدوین‌کنندگان برنامه بر ساماندهی موسسات قرآنی موجود و فعال کردن ظرفیت عظیم حدود ۸۰ هزار مسجد فعال در سطح کشور را مدنظر قرار می‌دادند رویکرد قابل قبول‌تر، اجرایی‌تری و منطقی‌تری به نظر می‌رسید؛ به علاوه وقتی دیده می‌شود که از این چند هزار موسسه قرآنی موجود، تعدادی غیرفعال و برخی نیز به دلیل مسائل ثبتی، مالیاتی و حمایتی کم‌فعالیت و کم‌فروغ هستند. ماده ۷۵ بر محتمل‌ترین ماده فرهنگی این لایحه است که به اعتدالی فرهنگ عمومی در جهت سبک زندگی اسلامی-ایرانی اختصاص دارد. نکته کلیدی این ماده اصلاح ساختار، اهداف، تشکیلات و مأموریت‌های دستگاه‌های فرهنگی موجود برای جلوگیری از موازی کاری و تداخل